

خالی از شوخی

تعداد بیشتری در شعاع چند کیلومتری دانشگاه جمع شده بودند. رفسنجانی در این نماز جمعه چهار تقاضای مردم را اعلام کرد: اجرای دوباره انتخابات، آزادی زندانیان، برداشتن سانسور از رسانه‌ها و ایجاد امکان استفاده مخالفان از «صدا و سیما»ی ضرامی. گویا رفسنجانی بعد از نماز جمعه خود نامه‌ای هم به رهبر نوشته و ضمن برشمردن تقاضاهای چهارگانه بالا متذکر شده که او وظیفه دارد که حرف خود را به عنوان مسئول مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام نموده و بگوید که مصلحت نظام در این است. گویا رهبر هم جواب نامه او را در جمله‌ای کوتاه داده و برای او فرستاده: مصلحت ما هم این است که به مسئول تشخیص مصلحت نظام فعلا گوش نکنیم! و اضافه کرده بود: برو بی کارت، حال نداری!

سفرهای قبلی او برای اخبار خود استفاده کنند تا گندش در نیاید. البته کارکنان خبرگزاری «فارس» که از آی کیوی بسیار بالایی برخوردار هستند متوجه نشدند که در طول سفر رییس جمهور به مشهد او لباس و پیراهن و کت و شلوارهای متعدد و رنگ و وارنگی به تن کرده است! در عکسی مربوط به استقبال مردم، او در محله‌ای پیراهن آبی به تن دارد و در همین محله در عکس دیگری او کت و شلوار قهوه‌ای پوشیده است. دفتر رییس جمهوری برای ماست مالی کردن این جعل اخبار توضیح داده است که به علت هوای گرم و همچنین عصبی بودن رییس جمهور، او چون زیاد عرق می‌کرده مجبور شده که چندین بار لباس‌های خود را در جریان این استقبال تعویض کند!

که به دست همین روس‌ها ساخته شده چه اتفاقاتی خواهد افتاد؟ بعد از انتقال برق اتمی کلید چراغ خانه را روشن می‌کنی و یکپهلو موهای سفید می‌شود! کلید را می‌زنی لامپ اتاق روشن می‌شود اما یکپهلو دندان‌هایت مثل دانه‌های ذرت روی زمین می‌ریزند! چراغ را روشن می‌کنی و فرداش زن و بچه‌هایت از دکتر برمی‌گردند و می‌گویند که ۱۲ نوع سرطان غیر قابل معالجه گرفته‌اند. چند تومانی صورت حساب برقت پایین می‌آید ولی اگر هزینه شیمی درمانی را حساب کنی می‌بینی خیلی سرت کلاه رفته است... فکر می‌کنم برای همین است که این روزها شعار «مرگ بر روسیه» در بین مردم خیلی رواج پیدا کرده است.

گمشده و مزدگانی

یک عدد کارت شناسایی برادر بسیجی عباس کارگر جاوید که در تظاهرات بعد از انتخابات و ضمن تیراندازی به جمعیت از جیب او افتاده مفقود گردیده است. از یابندگان تقاضا می‌کنیم این کارت را در اسرع وقت به یکی از دفاتر این اداره و یا مستقیماً به دفتر آقای مجتبی خامنه‌ای تحویل دهند. به عنوان مزدگانی به شخص یابنده این کارت یک گونی سبزمینی پشندی تعلق خواهد گرفت.

دفتر هماهنگی هیات رزمندگان غرب تهران رونوشت: استانداری تهران فرمانداری تهران وزارت کشور

سفر بی رونق مشهد

در جریان سفر احمدی‌نژاد به مشهد گویا تعداد مستقبلی آن قدر کم بوده که رژیم را به وحشت انداخته است. خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی از جمله خبرگزاری «فارس»، برای نشان دادن «استقبال باشکوه و بی نظیر» مردم شهر مشهد از رییس جمهور مجبور شدند از عکس‌های

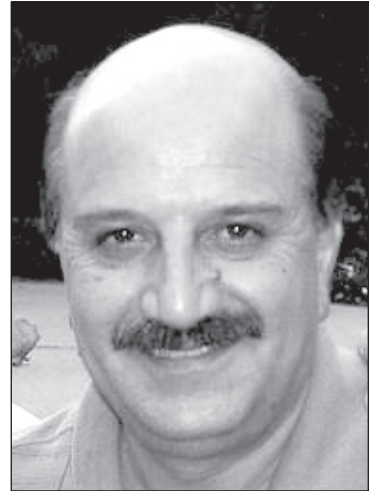
خاک بمالم! او اضافه کرد: به غیر از مدرک دکترای خود اینک حاضرم ریز نمره‌های خودم از دانشگاه آکسفورد را هم به مخالفان خود نشان دهم!

خبر تاسف‌انگیز

همان‌طور که شنیده‌اید باز هم یک هواپیمای توپولوف ساخت روسیه با کلی سرنشین در ایران سقوط کرد و همه مسافران آن کشته شدند. خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی تعداد مقتولین را ۱۶۸ نفر و رسانه‌های غربی ۱۵۵ نفر گزارش کرده‌اند. شایعاتی در مورد این که تعدادی از اجساد کشته‌شدگان تظاهرات خیابانی اخیر تهران سریعاً به محل سقوط هواپیما حمل و در آنجا به جمعیت کشته‌شدگان واقعی اضافه شده و برای همین رقم ۱۵۵ نفر به ۱۶۸ نفر افزایش یافته، بر سر زبان‌ها افتاده اما تاکنون از سوی هیچ منبع موثقی تایید نگردیده است.

شما را نمی‌دانم ولی من خودم هواپیمایی که نام توپولوف داشته باشد را برای پرواز انتخاب نمی‌کنم و ترجیح می‌دهم که با «میهن‌تور» و «تی‌بی‌تی» مسافرت کنم. حال اگر اسم این هواپیماهای روسی چیزی مثل «چالاکاف»، «قبراق‌اف» بود یک چیزی. توپولوف هم شد اسم هواپیما؟ اصلاً معلوم نیست ما ایرانی‌ها چرا از کشوری که هنوز بلد نیست یک اتومبیل درست و حسابی بسازد هواپیما و موشک می‌خریم؟ آیا مرگ بر آمریکا گفتن و نخردن هواپیما از آن‌ها بهتر است و یا مرگ بر ۱۶۸ نفر سرنشین بدبخت این هواپیما؟

خرید هواپیما از روسیه مثل این است که از کسی که بلد نیست میخ به دیوار بکوبد (و مرتب چکش را روی انگشت شستش می‌زند) بخواهیم که برایمان خانه بسازد یا از کسی که بلد نیست چراغ قوه را روشن و خاموش کند بخواهیم که کارهای برقی همین خانه را انجام دهد! خدا می‌داند بعد از افتتاح نیروگاه اتمی بوشهر



مسعود ناصری
massoudnasseri@comcast.net

علی کردان باز می‌گردد؟!!

بر طبق شایعات تایید نشده قرار است بعد از استعفای چند وزیر کابینه احمدی‌نژاد (از جمله معاون اول او) علی کردان یکی از مقامات کلیدی کابینه را به چنگ آورد. علی کردان در پی جنجال‌هایی که بر سر قلابی بودن مدرک دکترای او از دانشگاه آکسفورد به راه افتاد مجبور به کناره‌گیری شد و تلاش‌های احمدی‌نژاد برای نجات شغل او بی نتیجه ماند.

علی کردان در مصاحبه کوتاهی با خبرنگاران «صدا و سیما» و خبرگزاری «پارس» گفت: این بار با دست پر آمدم تا پوزه مخالفان را به

اطاعت

از سری نوشته‌های بدون شرح!

در مشهد برای جذب مستقبلی و تبلیغات برای احمدی‌نژاد پوستر پارچه‌ای بزرگی را در بیرون صحن امام رضا نصب کرده بودند. این پوستر عکس بزرگ احمدی‌نژاد را داشت و زیر آن نوشته بودند: والاترین امتیاز محمود احمدی‌نژاد اطاعت او از ولی فقیه است!

در این بن بست...

(روایت جدید)

– با اجازه احمد شاملو –
در این بن بست
وسط امیرآباد
دهانت را صاف می‌کنند
مبادا که گفته باشی «الله‌اکبر»
روزگار غربی است نازنین...
و عشق را در صندوق‌های رای

اطلاعیه وزارت امور خارجه

بدین وسیله به اطلاع کلیه سران کشورهای دنیا که تاکنون پیام تبریک خود را در راستای پیروزی مجدد آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری اخیر ایران نفرستاده‌اند می‌رساند که از آغاز ماه سپتامبر ۲۰۰۹ میلادی قیمت هر بشکه نفت صادراتی به کشور آن‌ها ۶۵ درصد افزایش خواهد یافت. خواهشمند است قبل از افزایش قیمت نفت و مواجه شدن با تنبیهات مضاعف آینده میزان سفارش نفت خود را سریعاً به وزارت نفت ایران اعلام نمایند. اداره روابط عمومی و ارتباطات جهانی

تشخیص مصلحت

گویا نماز جمعه هاشمی رفسنجانی خیلی بیشتر از نماز جمعه رهبر طرفدار داشته و با وجود این که رفسنجانی به حضار پولی هم نداده بوده

فروشگاه شهرزاد

Shahrzad International Market

با ۲۲ سال سابقه خدمت به جامعه ایرانی آتلانتا و حومه خواربار ایرانی با عالی‌ترین کیفیت و مناسب‌ترین قیمت گلچین شده از سرتاسر جهان

ما مرغوبیت را فدای قیمت ارزان نمی‌کنیم

میوه و سبزیجات کمیاب - شیرینی و بستنی - لوازم آشپزخانه
Books + DVD + CD + Newspapers

محل پخش هفته‌نامه «ایرانیان»

نماینده انحصاری ماهواره ایرانی بدون بشقاب (I.T.C)

Phone: 404.257.9045

6435-A Roswell Road N.E., Atlanta, GA 30328

خریده‌های خود را می‌توانید از طریق اینترنت انجام دهید Shop online: www.shahrzad.com

سوپر گلوبال

Super Global

کلیه مایحتاج مورد نیاز شما را با مرغوبترین و متنوعترین

کالاها و مناسب‌ترین قیمت‌ها عرضه می‌نماید

همچنین بهترین و تازه‌ترین شیرینیجات خانگی، خشکبار و آجیل ایرانی موجود است

در سوپر گلوبال Food Stamp نیز پذیرفته می‌شود

محل پخش هفته‌نامه «ایرانیان»

با ۲ شعبه در آتلانتا، جورجیا:

11950 Jones Bridge Road, Suite 105
Alpharetta, GA 30005

11235 Alpharetta HWY, Suite 111
Roswell, GA 30076

770.663.8823

770.619.2966

Fax: 770.663.8262

Fax: 770.442.5117

فروشگاه‌های سوپر گلوبال در تمام روزهای سال بدون تعطیلی باز و آماده خدمت می‌باشند

اشتراک هفته‌نامه «ایرانیان»

نشریه‌ای که می‌پسندید و به آن ارج می‌نهدید

Subscribe To IRANIANS Weekly Publication

	One Year (52 Issues)	6 Months (26 Issues)	
USA	\$130.00	\$65.00	ایالات متحده آمریکا
Canada	160.00	80.00	کانادا
Europe	320.00	160.00	کشورهای اروپایی
Iran & Middle East	320.00	160.00	ایران و خاورمیانه

نحوه پرداخت:

• از طریق چک بانکی یا Money Order: کلیه وجوه ارسالی می‌باید به دلار آمریکائی بوده و صادره از یکی از بانک‌های آمریکائی موجود در ایالات متحده باشد.



• از طریق کارت اعتباری: فرم زیر یا فتوکپی آن را پر کرده همراه با شماره کارت اعتباری و تاریخ انقضای آن برای ما فکس و یا پست فرمائید.

YES! Please enter a one year, six months subscription to IRANIANS in the following name

Name

Address

City

State Zip.....

Phone

Email

Washington Iranians Media, Inc.

P. O. Box 2023, Ashburn, Virginia 20146, United States

Tel: 703.724.9680 Fax: 703.724.9689

شوخی عکسی



محمدی: دلخیزی را بخندار کنار بخندار ببینم رییس جمهور چی می‌کند!

چند ثانیه نگاهمان به هم تلافی کرد. بعد بیکه لبخندی لبش را باز کرد و انگشتانش را به علامت پیروزی به من نشان داد. نمی‌دانستم چکار کنم. با خجالت و ترس و لرز من هم انگشتانم را بالا کردم و علامت پیروزی را به او نشان دادم. در ته خیابان دو تا بسیجی غرق در لباس ضد گلوله با سپرهای شیشه‌ای ایستاده بودند و به داخل خیابان نگاه می‌کردند. پشت سر ما حدود چهار پنجاه جوان، هم دختر و هم پسر، کنار دیوارها ایستاده بودند و منتظر حرکت بسیجی‌ها بودند. آن دو بسیجی بعد از چند لحظه مکث به سرعت به داخل خیابان یورش آوردند. قیافه‌شان وحشتناک بود، با آن لباس مخصوص مثل سربازهای ایرانی فیلم «سید» شده بودند. آن‌ها به طرف آن دختر دویدند. دخترک از دیوار جدا شد و شروع کرد به پرتاب کردن قلهه سنگ. ناگهان از پشت سر من هم صدها سنگ به طرف بسیجی‌ها پرتاب شد. آن‌ها وحشت‌زده به عقب برگشتند. به وضوح می‌دیدم که از سر یکی از آن‌ها خون می‌آید. صدای خر و خر و غژ غژی سیمشان بلند شد.

دخترک به طرف من آمد. جلوی من که از ترس به دیوار چسبیده بودم ایستاد و گفت: باید بزنی به چاک، تقاضای نیروی کمک کرده‌اند! اگر برسند تکه پاره‌ات می‌کنند. قبل از این که بپرسم مگر من چکار کرده‌ام دیدم که دارد به طرف دیگر خیابان می‌دود تا به ورودی خیابان اصلی برسد. بی اختیار دنبالش دویدم. با من و او ناگهان صدها نفر دیگر هم شروع به دویدن و فرار کردند. از ته خیابان فرعی یک گروه جدید چند نفره بسیجی پیدایشان شد. بیست سی نفری بودند. دو سه‌تاشان توی دستشان اسلحه بود و آن را به چپ و راست می‌چرخاندند. دوان دوان و نفس‌زنان خودم را به زیر پله بزرگی که در کنار یک خشکشویی و یک ساختمان نیمه‌کاره بود رساندم.

زیر پله باز همان دختر را دیدم که آنجا قایم شده بود. مرا که دید لبخند زد و انگشتانش را دوباره به علامت پیروزی بالا برد.

اینک خیلی نزدیک او بودم و صدای نفس او را می‌شنیدم. روسری‌اش کاملاً عقب رفته و موهایش را که به رنگ قهوه‌ای و طلایی با

هیوستون فرستاده بودم می‌افتم، خنده‌ام می‌گیرد. او گفت: وقتی روی کره ماه پا گذاشتم و گفتم «این قدم کوچک، قدم بزرگی خواهد بود برای انسان» اصلاً تصور نمی‌کردم روزی را ببینم که در کشوری زن‌ها را به زور در چادر و چارقد بپوشانند و آن‌ها را صد سال به عقب برگردانند!

افکار عمیق

آیا می‌دانید اگر آدم در مقابل حوا کمی مردسالاری به خرج می‌داد و وقتی که حوا اغواگرانه میوه سیب را به او تعارف کرد می‌گفت: «آبش را بده بخورم» کلی از مسایل بشر با خدا را امروز نداشتیم و هیچکس را به خاطر گاز زدن یک سیب ناقابل از بهشت بیرون نمی‌کردند!

قصه‌های خیابان

روزی که دوباره مرد

شدم...

عجب خر تو خری بود! رفته بودم دو تا نون سنگ بخرم که توی شلوغی خیابان فرعی پشت کوچه گیر افتادم. خیابان اصلی پر از جمعیت بود و سر و صدای بلندشان را از دور می‌شنیدم. فریاد «الله‌اکبر» و «مرگ بر دیکتاتور» به آسمان می‌رفت. ته کوچه لاستیک آتش زده بودند و بوی دودش مشام را آزار می‌داد. دستم را کردم توی جیب شلوارم تا ببینم پول برای خرید نان پادم زفته باشد. پول آنجا بود. چه خوب!

یکه از ته خیابان صدای آژیر ماشین پلیس بلند شد و به دنبالش صدای تق گلوله شنیدم. قلبم شروع کرد تپ تپ کردن؛ آن قدر تند که وحشت کردم. به طرف زده فلزی خانه‌ای در سمت چپ خیابان دویدم و آنجا ایستادم. ناگهان دیدم دختری با مانتوی سیاه کوتاه، شلوار جین رنگ و رو رفته، در حالی که روسری‌اش کاملاً از سرش افتاده بود به طرفم می‌دود. در نزدیکی من ایستاد و به ته خیابان نگاه کرد. هنوز متوجه من نشده بود. با صدای سرفه من که در اثر دود و هوای بد بود متوجه من شد و مرا نگاه کرد.

تازبانه می‌زنند
روبان سبز را در پستوی خانه نهان باید کرد
در این بن‌بست کج و پیچ کوچه‌ها
از آتش و دود لاستیک
از گاز اشک‌آور، قمه و باتوم سراسیمه نباید شد
آنکه به در می‌کوبد شباهنگام
برای کشتن چراغ اینترنت آمده است...
فیلترشکن‌ها را در پستوی خانه نهان باید کرد

موبایل‌ها را در توالت پنهان باید کرد
آن‌ها قصابند، بسیج‌کنان بر گذرگاه‌ها
با چاقو و پنجه‌بوکس و کلت دستی
روزگار غریبی است نازنین...
ابلیسی با اکثریت آرا پیروز
سور عزای ما بر سفره‌های خالی از نفت
نشسته است
به کشتن خدا می‌آیند
خدا را در پستوی خانه نهان باید کرد...

شعری که زندگی است

با اجازه احمد شاملو -
درد من از زندگی در سرزمینی است
که در آن
مزد بسیجی از آزادی انسان فزون تر باشد...

یک قدم به جلو، صد قدم به عقب

چند روز قبل سرنشینان سفینه آپولوی ۱۱ که در سال ۱۹۶۹ میلادی برای اولین بار بر روی کره ماه فرود آمده بودند ملاقاتی با باراک اوباما رییس جمهور جدید آمریکا داشتند. نیل آرمسترانگ، ادوین آلدرین و مایکل کالینز در این ملاقات تاریخی که مصادف با سالگرد ۴۰ سالگی این مأموریت فضایی بود در کاخ سفید از خاطرات خود در سفر به ماه سخن گفتند.
نیل آرمسترانگ گفت: هر بار که به یاد گفته معروف خود که از کره ماه برای مرکز فضایی

پلیس و بسیج ریخته بود توی خیابان و افتاده بود به جان هر کسی که دم دست بود. از همه جا سنگ می‌بارید و تق و تق به سیر و کلاه ایمنی آن‌ها می‌خورد. صدای جیغ و فریاد از هر گوشه‌ای به هوا بود. احساس کردم که کسی دستم را گرفته و فشار می‌دهد. او هم وحشت‌زده خودش را به من نزدیک کرده بود. برای این که خودمان را قایم کنیم به هم چسبیدیم و تصادفا صورت‌هایمان کنار هم قرار گرفت. صدای قلبش را می‌شنیدم. چشمان سیاه و درخشش در تاریکی زیر پله برق می‌زد. ناگهان لب‌هایش را روی لب‌های من گذاشت و مرا بوسید! او را بغل کردم و به خودم فشار دادم. دستم به جیب‌های بزرگ مانتویش خورد و سردی سنگ‌هایی که با خودش حمل می‌کرد در تمام وجودم سفر کرد.

در خیابان جنگ مغلوبه بود. در ده قدمی ما خانم مسنی با لباس شیک و گران‌قیمت به طرف پلیس رفت. در دستش گل سرخی بود. آن را به طرف یکی از بسیجی‌ها دراز کرد و به او لبخند زد. بسیجی فریادی از خشم کشید و با باتوم خود

رگه‌های نقره‌ای بود می‌دیدم. ابروهایش را تراشیده بود و به جای آن تاتو زده بود.

از ترس و لرز من خنده‌اش گرفت. از توی جیب مانتویش دو تا سنگ در آورد و به من داد و پرسید: می‌تونی «الله‌اکبر» بگویی؟

روسی‌اش را کمی جلو کشید. دیدم به مچش دو سه تا مچ‌بند و روبان سبز زده بود. پرسید: ارمی هستی؟

سرم را به علامت نفی تکان دادم. صدای چکمه بسیجی‌ها بلندتر می‌شد. انگار که داشتند نزدیک می‌شدند. خودش را بیشتر زیر پله کشید و به من چسبید. دوباره خندید و گفت: چرا این قدر می‌لرزی؟ نترس بابا! الان بچه‌ها می‌آیند کمک. آن قدر بهشون سنگ می‌زنیم که چهار دست و پا بزنند به چاک. وقتی دید جوابی ندادم انگشتان خودش را به علامت پیروزی به من نشان داد و هر دووی آن‌ها را با لبش بوسید و بعد روی لب‌های من قرار داد. نمی‌دانم هوای تهران بود که یکبه یک چند درجه گرم شد یا من بودم که مثل آتش شروع به گر گرفتن کردم! دخترک شروع کرد به خندیدن.

بقیه در صفحه ۳۳

شاهان و گناهان

Kings & Their Sins

طبق گفتار مورخین شهیر باستان

فساد و جنایات هولناک در دربار برخی از شاهان باستان، گرایش نمودن بعضی از شاهان هخامنشی و ساسانی به ادیان یهودی، مسیحی و مزدک. ناگفتنی‌هایی که برای اولین بار با آن آشنا می‌شوید. این کتاب را همه باید بخوانند لذا مطابق با بودجه خود بابت این کتاب بپردازید؛ هر چقدر که جزیی باشد. تلفن کنید.

تلفن سفارش ۶۶۴۴ - ۸۴۱ (۴۴۳)

نویسندگان: هما ناصری - ابراهیم ناصری



«پژوهشگر»
هما ناصری

کانون دوستداران فرهنگ ایران

IRANIAN CULTURAL ASSOCIATION

James Madison High School, 2500 James Madison Drive, Vienna, VA 22181

در کافه تریا - ورودی از ساختمان شماره یک یا سه

دوشنبه ۲۷ جولای (۵ مرداد)

گفتار درباره:

عملکرد مغز انسان

و تفاوت مغز زن و مرد

سخنران: سعید صالحی‌نیا



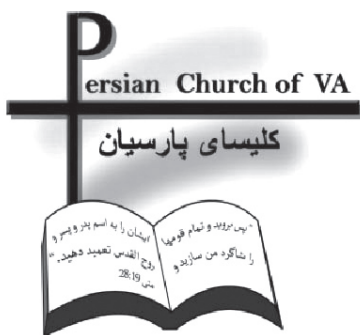
دوشنبه ۳ آگوست (۱۲ مرداد)

گفتار درباره:

معماری مردمی از زمان کوروش

سخنران: حمید امیدوار

کلیسای شما، کلیسای پارسیان،
آغاز به کار خود را در فیرفکس،
ویرجینیا، به اطلاع همه فارسی
زبانان می‌رساند



Time: Sunday at 3:30 - 5:30 PM

Tel: 703.794.2733

E-mail: persianchurchva@gmail.com

Address: 3810 Meredith Drive, Fairfax, VA 22030

ترتیب برنامه: ساعت ۷، صرف چای و شیرینی و دیدار دوستان؛ ساعت ۷ و نیم: شروع برنامه

تلفن اطلاعات کانون: 703-817-1651

E-mail: Kanooneiranian@hotmail.com WWW.kanooneiranian.org

